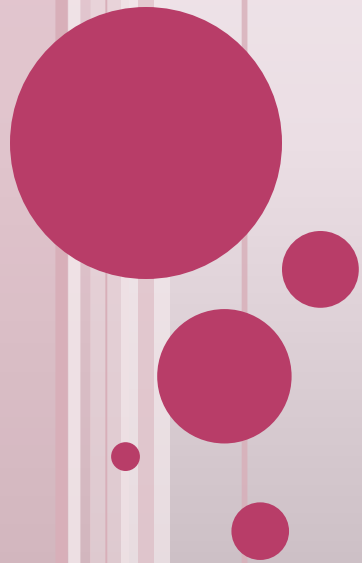


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



برنامه ریزی منطقه ای استاد محترم : آقای دکتر احمدی بافنده

- نفیسه آفرین
- سیده الهه حسینی
- مژگان سادات
- فاطمه ویسمه

دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد تهران مرکز نیم سال اول سال ۱۳۹۳
کارشناسی ارشد مدیریت شهری



موضوع:

○ برنامه ریزی منطقه ای و الزامات توسعه در عصر حاضر



○ این تحقیق در سه بخش اصلی تنظیم گردیده و به طور مشخص به برنامه ریزی منطقه ای با توجه به الزامات عصر جهانی شدن می پردازد.

○ بخش نخست، به تعاریف مفاهیم پایه در توسعه مناطق مانند منطقه و ضرورت توجه به برنامه ریزی منطقه ای پرداخته و در ادامه جداول تفصیلی عدم تعادل های منطقه ای در کشور آورده شده و پس از آن رویکردها، راهبردها و الزامات توسعه مناطق با توجه به نیازهای جهانی شدن در عصر حاضر مورد بحث قرار گرفته است.

○ در بخش پایانی، نظریه پایه توسعه استان تعریف و مواردی از این نظریه در سه استان آذربایجان شرقی، فارس و لرستان به عنوان نمونه شرح داده شده است.



اصل چهل و هشتم قانون اساسی:

در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان ها و توزیع فعالیت های اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهل و هشتم قانون اساسی:



مقدمه:

- اصلی ترین هدف هر جامعه ای دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر است. تحقیقات و تجربیات کشورهای مختلف نشان می دهد دستیابی به این رشد مستلزم پرداختن به مناطق و حداکثر بهره برداری از قابلیت های مناطق است. عدم تعادل و توازن منطقه ای باعث بروز مشکلاتی می شود که مانع تحقق اهداف، برنامه ها و سیاست های ملی هستند. این عدم تعادل ها اگر مدت زمان طولانی وجود داشته باشد آثار منفی بر کارایی اقتصاد می گذارد، لذا توجه به مناطق جایگاه ویژه ای در برنامه ریزی ملی دارد.



○ تعریف منطقه :

○ مفهوم منطقه در مناطق مختلف جهان با توجه به ساختار سیاسی و اقتصادی حاکم، به گونه ای متفاوت تعریف گردیده است. اما مناطق فارغ از تعاریف حقوقی و سیاسی گوناگون؛ خود مجموعه ای از ویژگی ها را دارا هستند.

○ اندازه: هر منطقه با مرزهای مشخص تعریف می گردد.

○ همگونی: هر منطقه از نظر برخی ویژگی ها یکدست به نظر می رسند.

○ تفاوت با مناطق مجاور: مناطق بنا به نوع ارتباطات و عناصر شاخص خود، از مناطق اطراف متفاوت می گردند.

○ یکپارچگی: هر منطقه در برگیرنده یک انسجام درونی است.



مناطق را بر اساس نوع نگرش برنامه ریزی ، می توان به شکل زیر دسته بندی نمود:

- ۱- **مناطق هموژن:** مناطقی که دارای همگونی اقلیمی، فرهنگی، مذهبی و قومی است.
- ۲- **مناطق عملکردی:** مناطقی که به مرور زمان بر اساس ارتباطات و تعاملات ناشی از خویشاوندی ها، اعتماد متقابل ، راههای ارتباطی و یا تبادلات اقتصادی بوجود آمده اند.
- ۳- **مناطق نهادی:** مناطقی که در آنها فعالیتهای اقتصادی ،اجتماعی و سایر فعالیتهای پاسخگوی جمعیت مشترک بوده و سرزمین های مختلف به آنها مراجعه می نمایند.
- ۴- **مناطق سیاسی:** مناطقی که بر اساس تقسیمات سیاسی کشور شکل گرفته اند و در درون آن یک مدیریت سیاسی وجود داشته و از هویت یکسانی برخوردار هستند.
- ۵- **مناطق برنامه ریزی:** مناطقی که به دلیل اشتراک منابع طبیعی و زیرساخت ها ، از نهادهای توسعه دهنده و یا توسعه گر (عموماً غیر دولتی) و ارتباطات و پیوندهای متقابل و متعامل برخوردارند.



نکته اول :

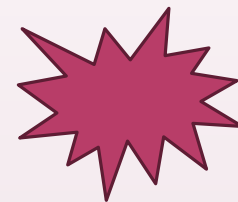
- بهترین نوع منطقه بندی تقسیم پهنه ی سرزمین، مناطقی است که هر پنج مورد بالا در آنها مصداق داشته باشند.

نکته دوم :

- در اکثریت مناطق، خصوصاً مناطق در حال توسعه، انطباق مناطق هموژن بر مناطق سیاسی و برنامه ریزی، شیوه ای در استفاده بهینه از منابع و کاهش تعارضات اجتماعی است. زیرا در این حالت، منابع مشترک طبیعی و سرمایه های اجتماعی و اقتصادی، پراکنده نشده و می توانند هم افزا با یکدیگر عمل نمایند.



ضرورت توجه به برنامه ریزی منطقه ای:



- نبود تعادل های منطقه ای، پیامدهای سیاسی و اجتماعی زیانباری داشته است.
- مناطق های کمتر توسعه یافته معمولا به آسانی توسعه یافته نمی شوند. زیرا باید زیر ساختها به روز شوند تا موجب جذب سرمایه گذاری در این مناطق شوند.
- علل توسعه نیافتگی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- عوامل درون زا

۲- عوامل برون زا



عوامل درون زا:

عوامل درون زا مانند عدم برخورداری و محرومیت از منابع طبیعی و معادن می باشد. در مناطقی که فاقد منابع طبیعی هستند امکان عقب ماندگی بیشتر است. عدم توجه به قابلیتها در کشور ما سبب شده استان هایی مانند لرستان و کهگیلویه و بویراحمد که با چهار استان دیگر ۵۱٪ جنگل های کشور را در اختیار دارند جزء ۴ استان دارای نرخ بیکاری بالای ۱۸٪ و خالص مهاجرت منفی باشند، این مهاجرت خود سبب محرومیت از منابع سرمایه ای و فقدان افراد متخصص در این مناطق شده است، به گونه ای که ۷۶٪ اساتید دانشگاه (دولتی-آزاد) در ۵ استان تهران، اصفهان، خراسان رضوی، فارس و آذربایجان شرقی قرار دارند.



عوامل برون زا :

دسته ی دیگر عوامل برون زا هستند مانند سیاست های ملی نامناسب که منجر به ایجاد تراکم در سایر مناطق می شود. این سیاست ها در گذشته موجب شده ۴۲٪ کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر و بیشتر، در ۴ استان تهران ، اصفهان ، خراسان رضوی و سمنان قرار گیرند.

همه ی این عوامل سبب شده تا برنامه ریزی منطقه ای یک پیش نیاز ضروری برای رشد ملی تبدیل شود.



○ جدول تفصیلی وضعیت عدم تعادل ها در مناطق کشور:

۱- وسعت:

○ ۶۳.۵ درصد از کل وسعت کشور متعلق به ۸ استان (سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، فارس، خراسان رضوی، اصفهان، سمنان و خراسان جنوبی) با ۳۱ درصد از جمعیت کل کشور می باشد. ۳۶.۵ درصد بقیه وسعت کشور به ۲۳ استان با ۶۹ درصد جمعیت کل کشور تعلق دارد.

۲- جمعیت:

۴۱.۷ درصد جمعیت کشور در ۵ استان قرار دارد.
۴۱.۷ درصد جمعیت کشور به ترتیب و با فراوانی بیشتر در استان های: تهران، خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و آذربایجان شرقی با ۲۱.۵ درصد از وسعت کل کشور و بقیه جمعیت کشور (۵۸.۳ درصد) در ۲۶ استان دیگر با ۷۸.۵ درصد از وسعت کل کشور استقرار دارند.



وسعت:

ردیف	استان ها	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	سیستان و بلوچستان	۶۳.۵	۳۱
۲	کرمان		
۳	یزد		
۴	فارس		
۵	خراسان رضوی		
۶	اصفهان		
۷	سمنان		
۸	خراسان جنوبی		
سایر استان ها		۳۶.۵	۴۹



جمعیت:

ردیف	استان ها	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران	۴۱.۷	۲۱.۵
۲	خراسان رضوی		
۳	اصفهان		
۴	فوزستان		
۵	آذربایجان شرقی		
	سایر استان ها	۵۸.۳	۷۸.۵



۳- تراکم جمعیت:

- دو استان تهران و البرز بالاترین تراکم جمعیت را دارند.
- دو استان تهران و البرز به ترتیب دارای تراکم ۸۹۹ و ۴۸۰ نفر می باشد که ۱۹.۲ درصد از جمعیت و ۱.۱۵ درصد از وسعت کل کشور را به خود اختصاص داده اند.
- ۲۹ استان دیگر با جمعیت حدود ۸۱ درصد و حدود ۹۹ درصد وسعت کل کشور دارای تراکم بین ۵ تا ۱۷۵ نفر دارند.

ردیف	استان ها	تراکم	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران	۸۹۹ و ۴۸۰ نفر	۱۹.۲	۱.۱۵
۲	البرز			
سایر استان ها		۵ تا ۱۷۵ نفر	۸۱	۹۹

۴ - نرخ با سوادى:

○ به جز سيستان و بلوچستان با نرخ با سوادى ۷۱.۶ درصد، نرخ با سوادى ساير استان ها ۸۰ درصد و بالاتر است.

○ نرخ با سوادى حدود ۹۰ درصد از جمعيت کشور مستقر در ۲۸ استان با ۸۶.۵ درصد از وسعت کل کشور، بالاتر از ۸۰ درصد و نرخ با سوادى حدود ۱۰ درصد از جمعيت کشور مستقر در ۳ استان (سيستان و بلوچستان، کردستان و آذربايجان غربى) با ۱۳.۵ درصد از وسعت کل کشور، پايين تر از ۸۰ درصد مى باشد.



نرخ با سوادى:

ردیف	استان ها	نرخ با سوادى: (درصد)
۱	سیستان و بلوچستان	۷۱.۶
	سایر استان ها	۸۰

ردیف	استان ها	نرخ با سوادى: (درصد)	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	سیستان و بلوچستان	پایین تر از ۸۰	۱۰	۱۳.۵
۲	کردستان			
۳	آذربایجان غربی			
	سایر استان ها	بالا تر از ۸۰	۹۰	۸۶.۵

۵- جمعیت اتباع خارجی ساکن استان ها

۷۵.۳ درصد اتباع خارجی در ۵ استان کشور ساکن هستند.

○ ۷۵.۳ درصد اتباع خارجی (افغانی، عراقی، پاکستانی، ترکیه ای و سایر کشورها) در ۵ استان ۳۸ درصد جمعیت و ۲۳ درصد از وسعت کل کشور را در برمی گیرند.

○ ۲۴.۷ درصد از اتباع خارجی نیز در سایر استان ها ساکن هستند. این استان ها ۷۷ درصد از وسعت و ۶۲ درصد از جمعیت کل کشور را شامل می شوند.



جمعیت اتباع خارجی ساکن استان ها

ردیف	استان ها	جمعیت اتباع خارجی (درصد)	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران	۷۵.۳	۲۸	۳۸
۲	اصفهان			
۳	خراسان رضوی			
۴	فارس			
۵	قم			
سایر استان ها		۲۴.۷	۷۲	۶۲

۶- میانگین ارتفاع بارش

○ بالاترین میانگین بارش باران سالانه متعلق به ۵ استان گیلان، مازندران، گلستان، چهارمحال بختیاری، کهگیلویه بویراحمد بین ۵۷۷.۶ تا ۹۰۷.۵ میلی متر می باشد.

○ این ۵ استان ۱۲ درصد از جمعیت و ۵.۵ درصد از وسعت کل کشور را به خود اختصاص داده اند. ۲۶ استان دیگر که ۸۸ درصد جمعیت و ۹۴.۵ درصد از وسعت کل کشور را در بر می گیرند دارای بارش سالانه بین ۷۲ تا ۴۱۸ میلی متر می باشند.



میانگین ارتفاع بارش

ردیف	استان ها	میانگین ارتفاع بارش	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	گیلان	۵۷۷.۶ تا ۹۰۷.۵ میلی متر	۱۲	۵.۵
۲	مازندران			
۳	گلستان			
۴	چهارمحال بختیاری			
۵	کهگیلویه بویراحمد			
سایر استان ها		۷۲ تا ۴۱۸ میلی متر	۸۸	۹۴.۵

۷- نرخ بیکاری

نرخ بیکاری در ۴ استان بالای ۱۸ درصد است و این استان ها همواره چنین وضعیتی داشته اند.

- ۱۵ استان کشور (لرستان، فارس، گیلان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، چهار محال بختیاری، کهگیلویه بویراحمد، خراسان شمالی، زنجان، اصفهان، آذربایجان غربی، اردبیل، قزوین و همدان) به ترتیب دارای نرخ بیکاری بالاتر از میانگین کشوری (۱۲.۳ درصد) می باشند.
- این استان ها ۳۰ درصد از وسعت و ۳۸ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده اند. ۱۷ استان دیگر با ۷۰ درصد از وسعت و ۶۲ درصد از جمعیت کل کشور دارای نرخ بیکاری پایین تر از میانگین کشوری می باشند.
- همچنین نرخ بیکاری ۴ استان شامل: کرمانشاه، لرستان، گیلان و کهگیلویه و بویراحمد بالای ۱۸ درصد است.

نرخ بیکاری

ردیف	استان ها	نرخ بیکاری	سهام از جمعیت کشور (درصد)	سهام از وسعت کشور (درصد)
۱	لرستان، فارس، گیلان، ایلام، کرمانشاه، کردستان؛ چهار محال بختیاری، کهگیلویه بویر احمد ، فراسان شمالی، زنجان ، اصفهان، آذربایجان غربی ، اردبیل، قزوین و همدان	بالا تر از میانگین کشوری (۱۲.۳ درصد)	۳۸	۳۰
۲	کرمانشاه، لرستان، گیلان و کهگیلویه و بویر احمد	بالای ۱۸ درصد است.		
	سایر استانها	پایین تر از میانگین کشوری	۶۲	۷۰



۸- تولید ناخالص داخلی

استان تهران ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی را دارد.

- استان تهران با ۲۳ درصد سهم از تولید ناخالصی تولید نفت و ۲۸ درصد بدون نفت و ۱۶.۲ درصد جمعیت و ۰/۸۴ درصد از وسعت کل کشور در رتبه ی اول قرار دارد. سایر استان ها دارای ۷۷ درصد سهم از تولید ناخالصی داخلی حدود ۸۴ درصد جمعیت و ۹۹.۲ درصد وسعت کل کشور را به خود اختصاص داده اند. ۴۸/۵ درصد تولید ناخالص داخلی با نفت و ۴۷/۵ درصد بدون نفت متعلق به ۴ استان تهران، خوزستان، اصفهان و خراسان رضوی است.
- استان های ایلام، زنجان، بوشهر، قزوین گیلان بیشترین درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی و تغییرات تولید ناخالص سرانه را داشته اند و استان های آذربایجان شرقی، مرکزی، یزد، تهران و کهگیلویه و بویراحمد کمترین تغییرات را داشته اند.

تولید ناخالص داخلی

ردیف	استان ها	تولید ناخالص داخلی	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران (رتبه ی اول)	۲۳ درصد سهم از تولید ناخالص تولید نفت و ۲۸ درصد بدون نفت	۱۶.۲	۰.۸۴
۲	تهران، فوژستان، اصفهان و خراسان رضوی	۴۸/۵ درصد تولید ناخالص داخلی با نفت و ۴۷ درصد بدون نفت		
استان های ایلام، زنجان، بوشهر، قزوین ، گیلان بیشترین درصد تغیرات تولید ناخالص داخلی و تغیرات تولید ناخالص سرانه را داشته اند و استان های آذربایجان شرقی، مرکزی، یزد، تهران و کهگیلویه و بویراحمد کمترین تغیرات را داشته اند.				
	سایر استانها	۷۷	۸۴	۹۹.۲

۹- جنگل

۶ استان، ۵۱ درصد جنگل های کشور را در اختیار دارند.

○ ۶ استان (فارس، لرستان، هرمزگان، مازندران، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان) با ۲۰ درصد از وسعت و ۲۱.۵ درصد از جمعیت کل کشور، ۵۱ درصد از مساحت جنگل های کشور را به خود اختصاص داده اند. ۲۵ استان دیگر با ۸۰ درصد وسعت و ۷۸.۵ درصد جمعیت کل کشور، ۴۹ درصد مساحت کل جنگل های کشور را دارا می باشند.



جنگل

ردیف	استان ها	مساحت جنگل های کشور (درصد)	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	فارس	۵۱	۲۱.۵	۲۰
۲	لرستان			
۳	هرمزگان			
۴	مازندران			
۵	کهگیلویه و بویر احمد			
۶	فوزستان			
سایر استان ها		۴۹	۷۸.۵	۸۰



۱۰- مراتع

۷ استان، ۶۱ درصد مراتع کشور را در اختیار دارند.

○ ۷ استان (سیستان و بلوچستان، کرمان، فارس، خراسان رضوی، یزد، اصفهان و خراسان جنوبی) با ۳۰ درصد جمعیت و ۵۸ درصد از وسعت کل کشور، جمعا ۶۱ درصد از مراتع کشور را به خود اختصاص داده اند.

○ ۲۴ استان دیگر با ۷۰ درصد جمعیت و ۴۲ درصد وسعت کل کشور، ۳۹ درصد از مراتع کشور را دارا می باشند.



مراجع

ردیف	استان ها	مراجع کشور (درصد)	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	سیستان و بلوچستان	۶۱	۳۰	۵۸
۲	کرمان			
۳	فارس			
۴	خراسان رضوی			
۵	یزد			
۶	اصفهان			
۷	خراسان جنوبی			
سایر استان ها		۳۹	۷۰	۴۲

۱۱- پدیده های بیابانی

۶۴ درصد پدیده های بیابانی در ۴ استان کشور قرار دارد.

○ ۴ استان (کرمان، سمنان، سیستان و بلوچستان و اصفهان) با ۳۵ درصد از وسعت و ۱۵ درصد از جمعیت کل کشور، ۶۴ درصد پدیده های بیابانی را در بر گرفته اند.

○ ۲۷ استان دیگر دارای ۳۶ درصد سهم از پدیده های بیابانی هستند که ۶۵ درصد از وسعت و ۸۵ درصد از جمعیت کل کشور را دارا می باشند.



پدیده های بیابانی

ردیف	استان ها	پدیده های بیابانی کشور (درصد)	سهام از جمعیت کشور (درصد)	سهام از وسعت کشور (درصد)
۱	کرمان	۶۴	۱۵	۳۵
۲	سمنان			
۳	سیستان و بلوچستان			
۴	اصفهان			
سایر استان ها		۳۶	۸۵	۶۵



۱۲- کارگاه صنعتی ۱۰ نفر شاغل و بیشتر

۴ استان، ۴۲ درصد از کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر شاغل و بیشتر را در اختیار دارند.

○ ۴ استان (تهران، اصفهان، خراسان رضوی و سمنان) با ۳۲ درصد از جمعیت و ۲۱ درصد از وسعت کل کشور، جمعا حدود ۴۲ درصد سهم از کارگاه های صنعتی را به خود اختصاص داده اند. ۲۷ استان دیگر با ۶۸ درصد از جمعیت و ۷۹ درصد از وسعت کل کشور، حدود ۵۸ درصد کارگاه های صنعتی را در بر گرفته اند.



کارگاه صنعتی ۱۰ نفر شاغل و بیشتر

ردیف	استان ها	کارگاه صنعتی کشور(درصد)	سهم از جمعیت کشور(درصد)	سهم از وسعت کشور(درصد)
۱	تهران	۴۲	۳۲	۲۱
۲	اصفهان			
۳	خراسان رضوی			
۴	سمنان			
سایر استانها		۵۸	۶۸	۷۹

۱۳- معادن

۷ استان کشور، ۴۰ درصد معادن کشور را در اختیار دارند.

○ ۷ استان (خراسان رضوی، البرز، اصفهان، آذربایجان غربی، سمنان، مرکزی و کرمان) با ۳۵ درصد از وسعت و حدود ۲۶ درصد از جمعیت کل کشور، جمعا ۴۰ درصد از معادن کشور را به خود اختصاص داده اند. ۲۴ استان دیگر با ۷۴ درصد از جمعیت و ۶۵ درصد از وسعت کل کشور، ۶۰ درصد از معادن کشور را دارا می باشند.



معادن

ردیف	استان ها	معادن کشور (درصد)	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	خراسان رضوی	۴۰	۲۶	۳۵
۲	البرز			
۳	اصفهان			
۴	آذربایجان غربی			
۵	سمنان			
۶	مرکزی			
۷	کرمان			
سایر استان ها		۶۰	۷۴	۶۵

۱۴- استفاده از تلفن

۵ استان، ۵۰ درصد تلفن ثابت (مشترکین) را در اختیار دارند.

○ ۵ استان (تهران، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، فارس و مازندران) با ۲۰ درصد از وسعت حدود ۴۰ درصد از جمعیت کل کشور، ۴۰ درصد سهم استفاده از تلفن ثابت (تعداد مشترکین) را به خود اختصاص داده اند. ۲۶ استان دیگر با ۸۰ درصد وسعت و ۶۰ درصد جمعیت کل کشور، ۶۰ درصد سهم استفاده از تلفن ثابت (تعداد مشترکین) را دارا می باشند.



استفاده از تلفن

ردیف	استان ها	استفاده از تلفن کشور(درصد)	سهم از جمعیت کشور(درصد)	سهم از وسعت کشور(درصد)
۱	تهران	۴۰	۴۰	۲۰
۲	خراسان رضوی			
۳	آذربایجان شرقی			
۴	فارس			
۵	مازندران			
سایر استان ها		۶۰	۶۰	۸۰



۱۵- تعداد اساتید دانشگاه (دولتی و آزاد)

۷۶ درصد اساتید دانشگاه دولتی و آزاد کشور در ۵ استان قرار دارند.

- ۵ استان شامل: تهران، اصفهان، خراسان رضوی، فارس و آذربایجان شرقی با ۴۰ درصد از جمعیت و ۲۵ درصد از وسعت کل کشور دارای ۷۶ درصد سهم از تعداد اساتید دانشگاه (آزاد و دولتی) است.
- سایر استانها با ۶۰ درصد از جمعیت و ۷۵ درصد از وسعت کل کشور، جمعا ۲۴ درصد سهم از تعداد اساتید دانشگاه در کل کشور را دارا می باشند.



تعداد اساتید دانشگاه (دولتی و آزاد)

ردیف	استان ها	تعداد اساتید دانشگاه (دولتی و آزاد) (درصد)	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران	۷۶	۴۰	۲۵
۲	اصفهان			
۳	خراسان رضوی			
۴	فارس			
۵	آذربایجان شرقی			
سایر استان ها		۲۴	۶۰	۷۵

۱۶- مراکز فرهنگی و هنری به ازای هر صد هزار نفر جمعیت

- در ۵ استان به ازای هر صد هزار نفر ۱۴ مرکز فرهنگی و هنری و در سایر استان ها کمتر از ۲ مرکز فرهنگی و هنری به ازای هر صد هزار نفر جمعیت وجود دارد.
- استان های ایلام، مرکزی، یزد، کهگیلویه و بویر احمد و همدان با ۱۰ درصد جمعیت و ۸ درصد از وسعت کل کشور بیشترین مراکز فرهنگی را دارند.



مراکز فرهنگی و هنری به ازای هر صد هزار نفر جمعیت

ردیف	استان ها	مراکز فرهنگی و هنری به ازای هر صد هزار نفر جمعیت	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	ایلام	۱۴ مرکز	۱۰	۸
۲	مرکزی			
۳	یزد			
۴	کهگیلویه و بویر احمد			
۵	همدان			
سایر استان ها		کمتر از ۲ مرکز	۹۰	۹۲

۱۷- خالص مهاجرت

○ استان های البرز و تهران با حدود ۲۰۰/۰۰۰ مهاجر در سال های گذشته ، مهاجر پذیر ترین منطقه کشور و استان های خوزستان و کرمانشاه ، لرستان و سیستان و بلوچستان با بیش از ۳۰/۰۰۰ مهاجر، مهاجر فرست ترین منطقه کشور شده اند.

ردیف	مهاجر پذیرترین استان	خالص مهاجرت	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران	۲۰۰،۰۰۰ مهاجر	۱۹	۱
۲	البرز			
سایر استانها			۸۱	۹۹

خالص مهاجرت

ردیف	مهاجر فرست ترین استان	خالص مهاجرت	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	فوزستان	۳۰،۰۰۰ مهاجر	۱۴	۱۹
۲	کرمانشاه			
۳	لرستان			
۴	سیستان و بلوچستان			
سایر استان ها			۸۶	۸۱



۱۸- اعتبارات تملک و دارایی ها

○ دو استان خوزستان و تهران با ۱۸ درصد دارای بیشترین سهم از اعتبارات تملک دارایی ها هستند. این دو استان ۵ درصد از وسعت و ۲۲ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده اند.

ردیف	استان ها	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران	۱۸ درصد دارای بیشترین سهم از اعتبارات تملک دارایی ها	۲۲	۵
۲	خوزستان			
سایر استان ها		۹۱	۷۸	۹۵

۱۹- اعتبارات هزینه ای

○ دو استان تهران و خراسان رضوی با ۱۳ درصد دارای بیشترین سهم از اعتبارات هزینه ای هستند. این دو استان ۸ درصد از وسعت و ۲۲ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده اند.

ردیف	استان ها	سهم از جمعیت کشور (درصد)	سهم از وسعت کشور (درصد)
۱	تهران	۲۴	۸
۲	خراسان رضوی		
	سایر استانها	۷۶	۹۲

براساس مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده در مورد عدم
تعادل ها و آسیب شناسی‌های صورت گرفته از عملکرد برنامه‌های
توسعه گذشته، موارد زیر در این خصوص قابل طرح است:



۱- تجربه کشور در تدوین برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که این برنامه‌ها نه تنها عدم تعادل‌ها در پهنه سرزمین را کاهش نداده‌اند بلکه بعضاً موجب تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای نیز شده‌اند. تشدید عدم تعادل‌ها دست کم در حوزه‌های دسترسی به زیربناها، سرمایه‌گذاری‌ها و خدمات به وضوح قابل مشاهده است. تمرکز حجم وسیعی از امکانات در نقاط محدود (مازاد بر توان اکولوژیک و ظرفیت) باعث تمرکز جمعیت کشور در همان نقاط محدود شده است و جمعیت در گستره وسیعی از سرزمین رو به کاهش نهاده است. به تبع آن، ثروت و منابع مالی به سمت مناطق مرکزی و فقر و محرومیت به سمت مناطق دور دست گسیل یافته است.



۲- نگرش تمرکزگرا، و بخشی‌نگر و اقتصاد محور در تدوین برنامه‌ها و ضعف مدیریت منابع انسانی در مناطق کمتر توسعه یافته و عدم مشارکت این مناطق در تنظیم برنامه‌های توسعه و همچنین غلبه نگاه غیرفنی در مکان‌یابی پروژه‌های ملی را می‌توان از جمله عوامل تشدید کننده عدم تعادل‌ها در پهنه سرزمین دانست.

۳- استمرار عدم توجه کافی به ملاحظات زیست محیطی در تدوین برنامه‌ها و عدم اهتمام به جلوگیری از بهره‌برداری غیراصولی از منابع طبیعی، آثار نگران کننده‌ای بر محیط زیست و به ویژه بر منابع آبی و جنگل‌ها، مراتع و اراضی کشاورزی کشور خواهد گذاشت و این امر توسعه کشور را دچار مخاطره جدی خواهد کرد.



۴- از آنجا که مزیت‌های گوناگون کشور برای ایجاد قطب‌های توسعه در مناطق مختلف سرزمین مستقر می‌باشند بدیهی است که بهره‌مندی در این مزیت‌ها در برنامه‌های توسعه مستلزم نگرش برنامه‌ریزان به کل جغرافیای کشور است. براین اساس باید همه مردم اعم از مردم مناطق شهری، روستایی و عشایری مورد توجه قرار گیرند، بطوری که زنجیره‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی مرتبط در مناطق ایجاد شده و هر حلقه در این زنجیره پشتیبان حلقه دیگر شود. همچنین مزیت‌های مختلف روستاها و عشایر نیز با توجه توأمان به ابعاد حفظ هویت ملی، مهار بحران‌های زیست محیطی و تقویت تولید در برنامه‌ها مورد استفاده قرار گیرند.

۵- بررسی‌ها نشان می‌دهد که تدوین برنامه توسعه، بدون توجه به شرایط و ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و قومی و اقتضائات سیاسی و امنیتی کشور نتایج چندانی را بدنبال نخواهد داشت لذا در برنامه‌ریزی توسعه باید از روال مرسوم اندکی فاصله گرفت و موارد اشاره شده را نیز در برنامه‌ها لحاظ نمود.



۶- محدودیت منابع مالی از یک سو و نیاز کشور به رشد اقتصادی از سوی دیگر می‌طلبد که در تدوین برنامه‌های توسعه هماهنگی لازم بین بخش‌های اقتصادی و مناطق و استان‌ها صورت پذیرد تا در نتیجه این تعامل و همکاری، زمینه برای کاهش عدم تعادل‌ها فراهم شود، بهترین موقعیت‌های سرمایه‌گذاری در جغرافیای کشور شناسایی شود و این موقعیت‌های مناسب به سرمایه‌گذاران بویژه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری معرفی شوند.

۷- موقعیت ژئوپلیتیک و مزیت ممتاز جغرافیای کشور اقتضاء می‌نماید که این امر در تدوین برنامه مورد توجه ویژه قرار گیرد تا از این مزیت برای توسعه و پیشرفت کشور استفاده مناسب و مطلوب بعمل آید.



○ الزامات توسعه در عصر حاضر:



زیر ساخت :

* ساختار فیزیکی و سازمانی است که پیش نیاز هر گونه بهره برداری اقتصادی می باشد و بنا به ماهیت زیر ساخت معمولاً آن ها را تحت عناوین **سخت و نرم** دسته بندی می نمایند.

* **زیر ساخت سخت:** این زیر ساختها در برگیرنده عناصر فیزیکی ضروری می باشند که جوامع مدرن امروزی جهت توسعه به آن نیاز مند هستند. زیر ساخت های سخت ارتباط انسان ها ، وسایل نقلیه ، انرژی و اطلاعات را نشان می دهند.

* **زیر ساخت نرم:** این زیر ساخت ها شامل ساز و کارهای نهادی و سازمانی می باشد، که با کمک آنها می توان به حداقل های مورد نیاز جامعه دست یافت و رشد اقتصادی را تضمین نمود.

حمل و نقل و لجستیک:

شامل نحوه جابجایی مواد خام ، کالاهای مورد نیاز تولیدات نهایی و کالاهای نهایی می باشد.

حکم روایی خوب:

جوهره حکمروایی به وجود روابط متعامل بین و درون حکومت و نیروهای غیر حکومتی اشاره دارد.

رقابت پذیری:

چارچوب نظری و کاربرست عملی مفهوم رقابت پذیری ، مفاهیمی چون برتری نسبی ، جذب سرمایه گذاری خارجی و نوآوری و تولید دانش را وارد ادبیات توسعه مناطق نموده است.



نهاد سازی و نقش تعیین کننده فرهنگ:

حضور پررنگ نهادها با زمینه های متفاوت نظیر شرکتهای ، نهادهای مالی، اتاق های بازرگانی، سازمانهای آموزشی ، مراکز تحقیق و نوآوری، اتحادیه های تجاری ، نهادهای دولتی و سازمانهای خدماتی به شکل گیری بستری در جهت رشد فعالیتها در مقیاس محلی و منطقه ای می انجامد.

آموزش و نیروی انسانی ماهر:

بدیهی است مناطق می بایست آموزش و تامین نیروی انسانی ماهر را در راس راهبردهای خود قرار دهند تا بتوانند این پیش نیاز توسعه اقتصادی پایدار را تامین نمایند.



ارتقای فن آوری:

فن آوری به شکل مستقیم و غیر مستقیم می تواند به محرکی برای رشد اقتصادی و رقابت پذیری تبدیل گردد.

توانمند سازی:

به معنای دادن قدرت و توان لازم به افراد ، سازمان ها و موسسات و گروههای اجتماعی است به طوری که ضمن حفظ استقلال خود ، بتوانند وظایف ، مسئولیتها و تکالیف خود را به نحو تعیین شده یا مورد درخواست ایفا نمایند.



رویکردها و راهبردهای توسعه مناطق:

در برنامه ریزی منطقه ای سه رویکرد وجود دارد:

۱- برنامه های مساله محور: که در طی آن ، برنامه ریزان و متخصصان ، با بهره گیری از مشارکتهای اجتماعی سعی در رفع مسائل می نمایند و با تحلیل این چالش ها و اتخاذ راهبردهای متناسب و متکی بر توانمندی های منطقه ، سعی در تدوین برنامه ای دارند که به حل این معضلات پردازند. معمولا این برنامه ها کوتاه مدت بوده و همین زمان اندک ، یک مزیت محسوب می گردد.



۲- برنامه های توسعه محور: از آنجا که بسیاری از مسائل و چالشهای پیش روی یک منطقه ، ناشی از عدم توسعه یافتگی یا تغییرات محیط برنامه ریزی متناسب با راهبرد های توسعه می باشد، برنامه های توسعه محور که در آن اهداف توسعه مورد نظر است ، ذاتاً می تواند همراه با تحقق خود ، مشکلات و معضلات اجتماعی - اقتصادی را نیز حل نماید. بنابراین این نوع برنامه ها به دلیل عمق بیشتر و نگاه فلسفی به توسعه، از توانایی بیشتری برخوردار بوده ولی اثر بخشی آن در زمان طولانی تری است.

۳- رویکردهای دوگانه: در مناطقی که مشکلات پیش رو در فعالیتهای اجتماعی منطقه به صورت بحران یا تعارضات اجتماعی بروز می نماید ، اتخاذ دو رویکرد اجتناب ناپذیر است . زیرا از سویی باید به مشکلات فعلی پرداخت و سوی دیگر ، توسعه آتی را مد نظر داشت. در این برنامه ها بهتر است ، راهبردهای حل مسائل بخشی از برنامه های توسعه نهایی باشد تا از اتلاف وقت و سرمایه جلوگیری شود.



در برنامه ریزی منطقه ای هشت گونه راهبرد وجود دارد:

۱- راهبردهای پیش نیاز: گاه انتخاب یک راهبرد ، در گروی انجام راهبردهای قبلی است تا زمینه وقوع آن را فراهم نماید(راهبردها و اهداف نیز دارای اولویت در اجرا بوده و نمی توانند زمان شروع و افق یکسانی داشته باشند. به عنوان مثال راهبرد توسعه ی ارتباطات پیش نیاز توسعه ی کشاورزی در مناطق است. تا امکان حمل محصول به بازارهای فروش و تحویل به صنایع تبدیلی فراهم گردد.

۲- راهبردهای هم افزا: گاه اجرای دو یا چند راهبرد با هم می تواند توسعه را محقق نماید. آموزش، مشارکت عمومی و توانمندسازی ، هم زمان با توسعه صنعت از راهبردهای هم افزا محسوب می گردند.



۳- راهبردهای متعارض: در این شرایط، یک راهبرد به سبب ناسازگاری نمی تواند با راهبرد دیگر به صورت همزمان مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال راهبرد افزایش صادرات یک کالا بر مبنای مزیت های نسبی با راهبرد جایگزینی واردات همان کالا که مزیت ها را در نظر نمی گیرد، اثر یکدیگر را خنثی نموده و با یکدیگر در تقابل اند.

۴- راهبردهای مکمل: در این شرایط، یک راهبرد بدون استثناء، همزمان با یک راهبرد دیگر اتفاق می افتد و این دو راهبرد توأمان دستیابی به یک هدف را فراهم می سازند. برای مثال در هدف رفع آلودگی، راهبرد کاهش استفاده از انرژی های فسیلی با راهبرد افزایش تولید انرژی های پاک مکمل اند.

۵- راهبردهای حمایت کننده: نظریه و راهبرد توسعه کشاورزی با هدف جلوگیری از اتلاف محصولات، می تواند راهبردهای حمایت کننده ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی، توسعه مراکز نگهداری و تسهیل صادرات را به عنوان راهبردهای حمایت کننده به همراه داشته باشد.



۶- راهبردهای اصلاح کننده: در این شرایط ، انجام یکی از راهبردها که ناگزیر از اتخاذ آن هستیم ، می تواند عواقب منفی دیگری را تخفیف دهد . برای مثال : توسعه صنایع آب و برق با راهبرد بازیافت آب ، اصلاح کننده یکدیگرند.

۷- راهبردهای بی اثر: راهبردهایی که در دو حوزه متفاوت مطرح می گردند که تاثیری بر یکدیگر ندارد.

۸- راهبردهای جایگزین: راهبردهایی که اثرات غیر مشابه داشته اما اهداف یکسانی را تعقیب می کنند که باید بین آنها بهینه یابی انجام گیرد.



تعریف نظریه پایه توسعه استان:

(معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری)

- اصلی ترین جهت گیری های بلند مدت توسعه استانهای کشور با توجه به چشم انداز بلند مدت توسعه کشور ، نظریه پایه توسعه ملی و ضوابط آمایش در قالب نظریه پایه توسعه استان ارائه می شود. این نظریه در قالب دیدگاهی شفاف و کاربردی ، چشم اندازی از آینده توسعه استان و نقش آن در تقسیم کار کشوری را بدست می دهد.



مواردی از نظریه پایه توسعه استان آذربایجان شرقی :

□ توسعه صنایع بر اساس نیاز کشور و منطقه با اولویت صنایع ماشین الات و تجهیزات ، صنایع حمل و نقل ، متالورژی ، پتروشیمی و شیمیایی ، الکترونیک مبتنی بر فناوری های نوین و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی

□ ارتقاء سطح خدمات برتر در تبریز تا سطح یک ملی در جهت تقویت نقش فراملی برای تامین نیازهای توسعه استانهای همجوار و پاسخگویی به تقاضاهای کشورهای منطقه قفقاز و همجوار غرب

□ توسعه و تقویت زیر ساختهای بخش بازرگانی با توجه به طیف فعالیتها و موقعیت بازرگانی و مرکزیت منطقه ای با تاکید بر منطقه ارس و منطقه ویژه اقتصادی سبلان و موقعیت تبریز به عنوان یکی از مراکز تخلیه و توزیع کالا



مواردی از نظریه پایه توسعه استان فارس :

- ❑ توسعه فعالیتهای معدنی فلزی و غیر فلزی و سنگهای تزئینی با تاکید بر گسترش اکتشاف ، توسعه فرآوری مواد معدنی و صادرات آنها
- ❑ توسعه زیرساخت ها و ایجاد صنایع انرژی بر، در کریدور انرژی جنوب – شمال واقع در استان
- ❑ افزایش کمی و کیفی به منظور تامین سلامت محصولات کشاورزی و توسعه
- ❑ کشت ارگانیک در جهت افزایش توان رقابت در بازارهای جهانی
- ❑ تراکم زدایی از شهر شیراز و تقویت نقش شهرهای کوچک و متوسط با پذیرش برخی از نقش های محلی و منطقه ای شهر شیراز



مواردی از نظریه پایه توسعه استان لرستان :

□ توسعه بخش کشاورزی با اولویت زیر بخش های باغداری (با تاکید بر محصولات نظیر انار ، انجیر ، گردو ، گیاهان دارویی و زعفران) و زراعت (با تاکید بر محصولات نظیر جو ، حبوبات ، گیاهان علوفه ای و گندم)

□ توسعه پرورش طیور ، ماکیان و اسب به صورت صنعتی و ایجاد زمینه های لازم برای گسترش زنبورداری

□ توسعه و اصلاح نظام دامداری با گسترش دامپروری های متمرکز صنعتی و نیمه صنعتی با تاکید بر جایگزین دام سنگین به جای سبک و توسعه واحدهای کوچک

□ پرواربندی در جهت تعدیل تدریجی شیوه دامداری متکی بر مرتع

□ ساماندهی و بهینه سازی کوچ و اسکان عشایر در محدوده زیست بوم های عشایر استان

مواردی از اصلی ترین قابلیت های توسعه استان آذربایجان شرقی:

- برخورداری از مرز مشترک با کشورهای آذربایجان ، ارمنستان و جمهوری خود مختار نخجوان و وجود خطوط ارتباطی با اروپا ، منطقه قفقاز ، ترکیه و حوزه مدیترانه و قرار گیری در کریدور های بین المللی حمل و نقل
- موقعیت ویژه کلان شهر تبریز به عنوان مرکز خدمات برتر در سطح ملی و فراملی
- پیشینه غنی فرهنگی در پذیرش نوآوری و توسعه و زبان مشترک با کشورهای همجوار
- وجود معادن غنی (مصالح ساختمانی ، فلزی و غیر فلزی) و فراهم بودن زمینه توسعه بهره برداری از آنها و ایجاد صنایع وابسته به ویژه مس و آلومینیوم



مواردی از اصلی ترین قابلیت های توسعه استان فارس:

- نزدیکی با کشورهای حوزه خلیج فارس و سابقه تاریخی مرکزیت برقراری رابطه پولی ، مالی و بیمه و مبادله کالا با آن کشورها و برخورداری از موقعیت مناسب جابجایی کالا، مسافر و انرژی بین شمال و جنوب کشور و کشورهای حوزه خلیج فارس
- جایگاه ممتاز شهر شیراز به عنوان قطب همکار در تقسیم کار ملی ، به ویژه ارائه خدمات برتر: مانند خدمات پزشکی و فنی مهندسی و فرهنگی در سطح ملی و فراملی و قابلیت این شهر در جهت ایفای نقش منطقه ای
- همجواری با منطقه گاز پارس جنوبی ، قابلیت توسعه صنایع و خدمات پشتیبان فعالیت مرتبط با این میادین و تامین نیروی انسانی مورد نیاز
- وجود زمینه های قانونی برای توسعه ورزش ، نگرش مثبت جامعه به فعالیتهای ورزشی ، گرایش بخش خصوصی و تشکلهای داوطلبی غیر دولتی (NGO) سرمایه گذاری و خدمات رسانی در توسعه ورزش



مواردی از اصلی ترین قابلیت های توسعه استان لرستان :

- تنوع آب وهوایی و برخورداری از اراضی حاصلخیز و عرصه های جنگلی و مرتعی
- وجود کانی های غیر فلزی با کیفیت بالا
- موقعیت مناسب جغرافیایی در غرب ، همجواری با قطب های بزرگ کشاورزی و صنعتی و استقرار بر محورهای جاده ای و ریلی شمال- جنوب کشور
- برخورداری از شبکه انتقال ، تبدیل و توزیع برق شامل خطوط فشار قوی و پست های مربوط
- بهره مندی از قابلیت تولید انرژی برق آبی (بزرگ و کوچک)
- بهره مندی از جاذبه های طبیعی ، تاریخی و فرهنگی به عنوان قابلیت های توسعه فعالیت ها گردشگری



مواردی از عمده ترین تنگناها و محدودیت های توسعه استان آذربایجان شرقی:

- بالا بودن نرخ بیسوادی زنان و جامعه روستایی و عشایری
- وجود اقلیم سرد و زمستانی و طولانی بودن دوره یخبندان و توزیع نامناسب زمانی و جغرافیایی بارش
- دشواری خدمات رسانی به روستاها و جوامع عشایری به علت کوهستانی بودن بخش وسیعی از استان
- تکنولوژی پایین و فرسودگی ماشین آلات در بخش صنعت و معدن (به ویژه در واحدهای بزرگ)
- ناکافی بودن شبکه انتقال و توزیع برق در استان به ویژه در شمال و نوار مرزی
- ناکافی بودن و فرسودگی شبکه ریلی و جاده ای استان



مواردی از عمده ترین تنگناها و محدودیت های توسعه استان فارس :

- پراکندگی نقاط زیست و فعالیت در استان
- نازل بودن متوسط بارندگی و کمبود شدید منابع آب و تاسیسات مورد نیاز
- غالب بودن وجه تولید سنتی و عشایری در تولید کشاورزی و دامداری
- مخاطرات ناشی از سوانح طبیعی به ویژه خطر بروز سیل ، خشکسالی و زلزله
- ضعف شبکه های توزیع و انتقال سوخت و انرژی



مواردی از عمده ترین تنگناها و محدودیت های توسعه استان لرستان:

- بیکاری گسترده و فزاینده و گسترش بخش غیر رسمی اقتصاد
- تخریب مستمر جنگلها و مراتع استان ناشی از به زیر کشت رفتن اراضی شیب دار و چرای بی رویه دام
- ناکافی بودن توان اجرایی و مدیریتی استان و عدم توان کافی برای جذب و نگهداری نیروهای ماهر و متخصص مورد نیاز
- نامناسب بودن ظرفیت شبکه جاده ای برون استانی به ویژه محورهای با تردد بالای کالا و مسافر.



نتیجه گیری :

○ مطالعات انجام شده در زمینه عدم تعادلها و نابرابری های منطقه ای در ایران بیانگر وجود نواحی فعال در برابر نواحی کم فعال در کشور است، که ممکن است پیامدهای سیاسی و اجتماعی زیانباری داشته باشد. مهمترین آنها عبارتند از: ۱- وجود تفاوت های منطقه ای دائمی در استاندارد زندگی که موجب خشم و نارضایتی می شود. ۲- سطوح بالا و دائمی بیکاری در مناطق کم مزیت ۳- تفاوت در رشد اقتصادی مناطق. لذا می توان به صراحت بیان داشت برای رفع این مشکلات بایستی برنامه ریزی منطقه ای را به طور صحیح به کار گرفت و عملیاتی نمود.



منابع:

- ۱- کتاب شناخت محیطی / دکتر علی مبینی دهکردی و دکتر محمود هاشمیان اصفهانی
- ۲- کتاب چشم انداز ایران فردا / دکتر محسن رضایی میرقائد
- ۳- کتاب توسعه مناطق در عصر جهانی شدن / مهرداد ژند ، میلاد عباسی هرفته ، اقدس فتاحی
- ۴- سایت مرکز آمار ایران
- ۵- اسناد ملی توسعه / انتشارات معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری
- ۶- نشریه علمی و پژوهشی مدیریت شهری و روستایی

